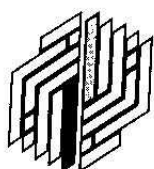


از جولانگاه استر تا وادی صهیون

علیرضا سلطان‌شاهی

www.ketab.ir



سرشناسه: سلطان‌شاهی، علیرضا، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور: از جولانگاه استرنا وادی صهیون: (مرور سه اثر از جریان تاریخ‌نگاری
یهود ایران) / علیرضا سلطان‌شاهی.

مشخصات نشر: تهران: بنیاد تاریخ پژوهی ایران معاصر، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری: ۲۳۸ ص:، مصور، جدول، عکس، نقشه.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۲۰-۱۶-۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فاپا
یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.
یادداشت: نمایه.

موضوع: یهودیان -- ایران -- تاریخ
موضوع: یهودیت -- ایران -- تاریخ
شناسه افزوده: بنیاد تاریخ پژوهی ایران معاصر
رده بندی کنگره: ۸۱۳۸۶ س ۹ / DSR ۷۲
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۹۷۳۵
شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۵۲۷۲۳



مؤسسه فرهنگی بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی

از جولانگاه استرنا وادی صهیون

نویسنده: علیرضا سلطان‌شاهی

مشخصات نشر: تهران. مؤسسه فرهنگی بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۲۰-۱۶-۸ نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، بزرگراه صدر، خیابان دیباجی جنوبی، خیابان شهید تسلیمی، کوچه زاور، کوچه دادآفرین

کوچه گل، کوچه صدر، پلاک ۶

تلفن: ۲۲۵۷۹۱۹۲-۵ نمایر: ۲۲۷۶۱۲۶۴ صندوق پستی: ۱۹۳۹۵-۷۳۸۵

www.iranemoaser.com

فهرست مطالب

۳	پیش‌گفتار
۷	مقدمه ناشر
۱۷	همسانی خدا و انسان و تناقض شرارت ذاتی انسان در آئین یهود
۲۷	مقدمه
۳۱	فصل اول: به عشق اسرائیل، با پول ایران، به کام یک مورخ
۳۳	چرا لوی؟
۳۵	زندگی لوی
۳۷	کتاب تاریخ یهود ایران
۴۱	عشق لوی به صهیون
۵۱	حبیب لوی و پول
۵۴	لوی، روحانیون و انقلاب اسلامی
۵۹	فصل دوم: از جولانگاه استر تا وادی صهیون
۶۱	مدخل
۶۹	آشنایی با کتاب یادنامه
۷۲	میزان اطلاعات دهی عزری و روش وی
۷۳	عزری در پنجاه بخش از کتاب خود چه می‌گوید؟
۷۷	پرونده کیا
۹۷	چه باید کرد؟
۱۰۱	فصل سوم: فرزندان تاریخ پرداز استر
۱۰۳	مدخل
۱۰۵	داستان استر
۱۱۱	وقایع مهم در تاریخ یهود ایران

۱۱۷.....	تفاوت های نازیبا
۱۲۰.....	دوره هخامنشیان
۱۲۲.....	چند نکته راجع به ترجمه
۱۲۳.....	دانیال نبی (علیه السلام)
۱۲۷.....	آرامگاه استرومردخای
۱۲۹.....	یهودیان در امپراطوری ساسانی
۱۳۱.....	تلمود بابلی
۱۳۲.....	تأثیر متقابل اسلام و یهودیت
۱۳۳.....	صفویه
۱۳۷.....	ادبیات فارسی - یهودی
۱۴۱.....	جهود نجس
۱۴۴.....	محلّه
۱۵۰.....	آنوسیم
۱۵۱.....	از آوارگی به استقرار
۱۵۴.....	لباس و آرایش
۱۵۶.....	آلیانس
۱۵۸.....	صهیونیسم
۱۵۹.....	زندگی سیاسی روشنفکران یهود
۱۶۱.....	یهودیان عراقی در ایران
۱۶۴.....	قالی های یهودی - ایرانی
۱۶۷.....	سفرایران
۱۶۷.....	زندگی روزمره
۱۷۰.....	سیرح پت آشیر
۱۷۳.....	ورزش
۱۷۴.....	سلطنت پهلوی و انقلاب اسلامی
۱۷۹.....	مادران، دختران و زندگی خانوادگی
۱۸۰.....	نامداران
۱۸۵.....	تصاویر
۲۱۳.....	کتاب نامه
۲۱۹.....	نمایه

مقدمه ناشر

می‌گویند وقتی حضرت ابراهیم به دستور خداوند، قبیله خود را در شهر «اور» کلدیه به سوی سرزمین کنعان رها کرد، در پس این رهایی و هجرت باید تمثیلی از حقیقت و ماهیت ادیان توحیدی را جست‌وجو کرد که ابراهیم (ع) پدر آنها می‌باشد. خدا در باور انسان‌ها تا قبل از ابراهیم (ع) خدایی است اسیر مکان، خاک، خون، نژاد، قبیله، شهر و ملتی خاص؛ اما خداوند با فرمان هجرت ابراهیم (ع) از قبیله، خاک، خون و نژاد به دنبال اثبات حقیقتی بود که این حقیقت در معرفت‌های پیشین بشر نشانی از خود نداشت.

خداوند در پی نشان دادن این حقیقت بود که شریعت نبوی آموزه‌ای جهانی است و نمی‌تواند حامی یک قوم یا قبیله خاص باشد. جدایی خدا از قبیله و نژاد، از خاک و خون در فرمانی مستتر است که خداوند به حضرت ابراهیم (ع) داد. اگر خدای ابراهیم (ع) را خدای یک میثاق تاریخی جاودانه با بشر تلقی کنیم باید هر چه را که در جهان وجود داشته و دارد و خواهد داشت به نوعی جزیی از تاریخ این میثاق بدانیم. مهم‌ترین اصلی که ماهیت ادیان توحیدی را از اندیشه‌های اساطیری، طبیعت‌گرایانه و قراردادهای اجتماعی بشر متمایز می‌سازد این است که در میثاق خدای ادیان توحیدی با انسان، جهان به مثابه یک تاریخ تلقی می‌شود؛ تاریخی که نباید در پای منافع یک نژاد، قوم، قبیله، شهر یا ملتی خاص قربانی شود.

تأکید بر تاریخ جهانی در صورت‌بندی‌های دانایی ادیان توحیدی، هیچ‌گاه به معنای حذف وجه خاص تجلی خداوند در میان قومی نیست که افتخار پیامبری در آنها وجود دارد. اگر در مفهوم الهیات توحیدی، تجلی صفات و اسماء الهی را در تاریخ ضروری، و وقایع تاریخی را نمونه‌هایی از انکشاف این صفات و اسماء تلقی کنیم،

عرصه وقوع این تاریخ نمی تواند خارج از قوم، قبیله، ملت، نژاد یا زبانی خاص باشد. اما، آیا وقوع آن در مکان و زمانی از تاریخ به معنای عدم رجوع آن به کل تاریخ بشری است؟ سخت ترین سؤالی که قوم بنی اسرائیل نتوانست در نسبت بین میثاق الهی (به مثابه گشودگی صورت بندی دانایی بشر به جهان) با میثاق یک قوم خاص درک کند و بدان پاسخ مناسب با شأن و منزلت یک دین جهانی ارایه دهد، همین سؤال است.

الهیات یهودی در طول تاریخ با قرنطینه کردن خدا در خاک،^۱ خون، نژاد و قبیله به همان اصلی برگشت که بینش اسطوره ای و بعدها بینش فلسفی یونان، روم و مسیحیت گرفتار آن شد. دین در قبیله بنی اسرائیل، توانایی ترجمه جنبش های زمان را در تاریخی فراتر از تاریخ قوم بنی اسرائیل، از دست داد و زبان عبری نه تنها توانایی درک زمان خود را نداشت بلکه از درک زمان حال و آینده نیز عاجز بود. در صورت بندی های دانایی الهیات توحیدی، قرار بود جهان به مثابه یک تاریخ تلقی شود و همه چیز در پرتو خدای احد و واحد قابل درک گردد. خدای احد و واحد اسیر مکان نبود. از خاک، خون، نژاد، قبیله و ملت جدا بود. این جدایی، خدا و دین توحیدی را بر فراز همه ملت ها و پیام نبوی را نقطه عطف تقابل دانایی های مبتنی بر مکان و زمان در تاریخ قرار می داد. اما خدای بنی اسرائیل خدای مکان و خدای قوم و نژاد خاص بود. خدایی که منتسب به قوم خاصی باشد قادر به تباهی و نابودی قوم خود نیست؛ حتی اگر این قوم شقی ترین و شرورترین قوم روی زمین باشد و این شرارت بارها از زبان پیامبران این قوم تقبیح شده باشد.

بر اساس روایت های توراتی، به رغم این که قوم بنی اسرائیل بارها از ناحیه خداوند، قوم نافرمان، سرکش، متکبر، خون ریز و لجوج معرفی شده است، همچنان قومی مورد حمایت خدای خود است. خدایان منتسب به قوم و قبیله و شهر باید دارای چنین خصلتی باشند. آنها در همه حال باید حافظ منافع قوم خود باشند. چون نابودی قوم مترادف با نابودی خدای قوم است. همسازی الهیات یهودی را با فلسفه یونان باید در همین اندیشه جست و جو کرد. خدای یهودی مانند فلسفه یونانی، وجودی «تراژیک» دارد؛ زیرا مانند خدایان «المپ» یونان، خدای آنها نیز خدای مکان است و در جوار قوم خود به نبرد دیگر اقوام می آید. الهیات بنی اسرائیل مانند قوم بنی اسرائیل مقهور قانون «تراژیک» زایش و زوال شد. قانون «تراژیک» وجود مکان مند بود، در حالی

۱. باید توجه داشت که خاک و سرزمین با مصادیقی همچون اورشلیم و سرزمین موعود، در اندیشه و متون یهود وجود دارد تا هویت و جایگاه ملی یهود در یک سرزمین خاص را تداعی کند، در حالی که در طول تاریخ، هیچ سرزمین و خاکی برای یهودیت ارزش و تقدسی نداشته، الا اینکه منافع اقتصادی و نفع مالی این قوم را تأمین کرده است. از همین روست که این قوم به ظاهر سینه جاک هجرت به سرزمین موعود، با استشمام بوی نفت دوباره عزم بازگشت نموده و مشتی یهودی مفلوک را با تبلیغ این مدعا فریفته و روانه این دیار نموده است. در حالی که یهودیان متمول و زراندوز همچنان در نیویورک، پاریس و لندن هدایت این فریب پول ساز را بر عهده دارند.

که الهیات توحیدی به دنبال معرفتی تغییرناپذیر و خارج از مدار زایش و زوال یعنی چیزی ورای «تراژدی» بود تا به طبیعت بی‌روح، روح بخشد. اما قدرت مکان در ذهن و وجود قوم بنی‌اسرائیل قدرتی فائق بود و همه چیز در سرزمین موعود و شهر اورشلیم به عنوان شهر آسمانی خلاصه می‌شد.

همان‌طور که همه چیز یونان نیز در کوه المپ مقر خدایان و شهر (پولیس) رقم می‌خورد، الهیات یهودی مانند فلسفه یونان، محصور در مکان و معطوف به شهر شد. تاریخ یهود بر مبنای الهیات به جامانده از یهودیان و نوشته‌های توراتی و تلمودی، نشان می‌دهد که هیچ یک از پیامبران یهودی تمایلی به گسست از مکان نداشتند. چنین تمایلی مغایر با مفهوم الهیات توحیدی بود. همان‌طوری که در «تراژدی» کیهان‌شناسی یونان، زمان مقهور مکان است، در «تراژدی» کیهان‌شناختی یهودی نیز مکان، زمان را می‌بلعد.

خدای زمان، خدای تاریخ بود؛ خدایی که در تاریخ به سوی غایتی انجامین می‌کوشید. تاریخ هدفی دارد و به سمت و سوی مشخصی می‌رود و در این حرکت پیوسته چیزی تازه در آن ولز رهگذران باید آفریده شود. تاریخ در الهیات توحیدی، تاریخ جهانی است. تاریخ شهر یا ملت یا قبیله و قوم نیست. در تاریخ جهانی ادیان، محدوده‌های مکان و مرزهای بین ملت‌ها نفی می‌شود. همه ملت‌ها و همه انسان‌ها باید آزمزیده شوند و به رستگاری برسند. یکتاپرستی ادیان توحیدی، یکتاپرستی عدالت است؛ چون به همه انسان‌ها نظر دارد نه به انسانی خاص؛ در حالی که خدایان مکان بالضروره عدالت را تباه می‌کنند. دعوی بی‌حد و حصر هر خدای مکان‌مندی به ناگزیر با دعوی نامحدود خدای مکان‌مند دیگر در تضاد است. تضاد خدایان در آسمان، تضاد انسان‌ها را در زمین دامن می‌زند. اراده معطوف به قدرت یک گروه یا قوم و قبیله یا شهر برای قوم، قبیله و شهر دیگر عدالت به همراه نخواهد آورد. این مشکلی بود که هم الهیات یهودی گرفتار آن شد و هم فلسفه یونانی.

وجوه مشترک توحید فلسفی متفکران یونانی و توحید دینی پیامبران یهود را باید در نگاه آنها به عالم و آدم دید. دین که آمده بود تنها راه نجات انسان‌ها باشد، اسیر جهالت‌ها و نفع‌پرستی‌های انسان شد. خدای الهیات یهودی مانند خدای فیلسوفان یونانی شد؛ خدایی که پیوسته با قوم خود و اقوام دیگر در جدال و جنجال به سر می‌برد. تفاوت خدای پیامبران با خدای فیلسوفان در این بود که خدای پیامبران را همه انسان‌ها می‌توانستند به دعا خوانند در حالی که خدای فیلسوفان یونانی، خدای جنگ و خونریزی و دشمنی با انسان‌ها بود که فقط منافع قوم خود را تأمین می‌کرد و به آنها یاری می‌داد و با منافع اقوام دیگر نه تنها نسبتی نداشت بلکه علیه آنها قیام نیز می‌کرد.